

# «اندازهای فمینیستی و کویرها - چشم آسکسوالیته»

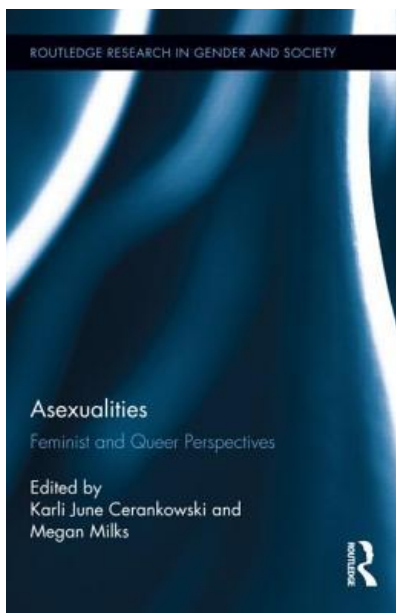
Photo: radiozamaneh.com

سهراب فرنام

بررسی و مطالعه آسکسوالیته به عنوان هویت جنسی یا گرایش جنسی در دهه اخیر صورت گرفته است. اما این مطالعات در مراحل اولیه خود قرار دارند زیرا هنوز ابعاد گوناگون و متفاوت پدیده آسکسوالیته روشن و آشکار نشده است. کتاب «آسکسوالیته‌ها؛ چشم اندازهای فمینیستی و کویر» گامی برای شناخت بهتر این پدیده، نقد رویکردهای گذشته و راه‌های پیش رو است. این کتاب به شش بخش موضوعی تقسیم شده و دربردارنده ۶۱ فصل است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

## بخش اول: نظریه‌پردازی درباره آسکسوالیته

بخش اول با عنوان «نظریه‌پردازی درباره آسکسوالیته: جهت‌گیری‌های جدید» به موضوعات نظری پیرامون تعریف، هویت و تاریخ آسکسوالیته اختصاص دارد که در فصل‌های بعدی دنبال می‌شوند. نخستین فصل کتاب به روند تاریخی آسیب‌شناسی و پزشکی‌سازی آسکسوالیته می‌پردازد. گسست از این روند، پروژه سیاسی و ضروری برای جنبش آسکسوال بوده است. در همین راستا نویسنده درصدد است در این پروژه سیاسی مشارکت کند، آن‌هم با تبارشناسی شناخت و آسیب‌شناسی میل و فعالیت جنسی. نویسنده به منظور ایجاد فضاهای جدیدی برای آسکسوالیته‌ها، محققان را تشویق می‌کند درباره آسکسوالیته تفکر کنند، آن‌هم خارج از مدل‌های پزشکی و ابزار تشخیص که مبتنی بر پارادایم‌های فیزیولوژیکی و بیولوژیکی میل هستند (نگاه کنید به مقدمه و همچنین به ص ۲۵).



در فصل دوم، نویسندگان با نوعی رویکرد روان‌شناختی - فیزیولوژیکی به مطالعه آسکسوالیته می‌پردازند. اگرچه آن‌ها به محدودیت‌های این مطالعه اذعان می‌کنند، به یافته‌های موردپژوهشی زنان آسکسوال اشاره می‌کنند که ظاهراً با محرک‌های جنسی تحریک نمی‌شوند. توصیف شود و نه برحسب سرکوب یا «عدم فعالیت جنسی» تواند برحسب‌دهد که آسکسوالیته گاهی اوقات می‌ها نشان می‌های آن‌یافته ناتوانی برای پذیرش فعالیت جنسی. از این رو آن‌ها مدل دیگری از اعتبار را برای آسکسوالیته فراهم می‌کنند (ص ۷۰۱).

در فصل سوم، آسکسوالیته در درون حوزه روانکاوی بررسی می‌شود. در این فصل، نظریه‌های فروید درباره سکسوالیته، میل، تخیل و لیبیدو

با نظرات لاکان درباره زبان مقایسه و بررسی می‌شود تا از این رهگذر نوعی چارچوب روانکاوی فمینیستی و کویری ایجاد و در آن، آسکسوالیته نظریه‌پردازی شود. نویسنده در این فصل، با اشاره به عدم وجود موضوع آسکسوالیته در نظریه روانکاوی، نقد مهمی را مطرح می‌کند. همچنین گفتگمانی را بسط و گسترش می‌دهد که برای نظریه فمینیستی و کویری بنیادی است (ص ۴۵۱).

## بخش دوم: سیاست آسکسوالیته

عنوان بخش دوم «سیاست آسکسوالیته» است که امکان‌های سیاسی جنبش آسکسوال را بررسی می‌کند. پرسش‌هایی که در این بخش مطرح می‌شوند عبارت‌اند از: اهداف سیاسی و تأثیرات سیاسی آسکسوالیته چیست و چگونه با تاریخ و جنبش‌های سیاسی دیگر همپوشانی دارند و از آن‌ها فاصله می‌گیرند؟

فصل چهار با عنوان «سیاست هویت رادیکال: آسکسوالیته و بیان‌های معاصر هویت»، به بررسی سیاست هویت رادیکال در مورد آسکسوالیته می‌پردازد. نویسنده با نقد پیش‌فرض‌ها، به‌ویژه پیش‌فرض‌هایی که در اجتماعات رادیکال کویری وجود دارد، رابطه آسکسوالیته با هویت‌ها و فعالیت‌های «به‌نجار» را کندوکاو می‌کند و در ادامه استدلال می‌کند که آسکسوالیته مبتنی بر نوعی تغییر نظام‌اند است. به نظر نویسنده، آسکسوالیته با تعهد به مقاومت در برابر دگرجنسگرانه‌جاری اجباری و نیز سکسوالیته اجباری، فرصت مهمی را برای اصلاح و تغییر سیاست هویت رادیکال فراهم می‌کند. نویسنده با تأکید بر ادغام آسکسوالیته در این جنبش، سیاست هویتی ایجابی‌تر و تکثرگراتر را پیش‌بینی می‌کند که تمام هویت‌های جنسی گوناگون را محترم می‌شمارد (ص ۵۹۱).

فصل پنجم آسکسوالیته را در چارچوب سیاست جنسی فمینیستی و کویری در نظر می‌گیرد. نویسنده با نقدی آسکسوال از مفهوم «سرکوب» استدلال می‌کند که پیدایش اجتماع آسکسوال ما را ناگزیر می‌کند تا رتوریک آزادی جنسی را از نو صورتبندی کنیم به‌ویژگی اتکا آن را به تفسیری از بلوغ که با «سرکوب» آغاز و با «رهايي» به پایان می‌رسد. نویسنده بر این باور است که این روایت و تفسیر نه تنها در گفتمان فمینیستی/کویری بلکه در نظریه‌پردازی‌های فمینیستی و کویری اخیر درباره آسکسوالیته وجود دارد (ص ۶۳۲).

فصل شش نگاه دقیق‌تری به همگرایی‌ها و واگرایی‌ها میان آسکسوالیته و نژاد می‌کند. این فصل با عنوان «در باب نژادی سازی آسکسوالیته»، ایدئولوژی فراگیر سفیدپوست بودن را در سیاست جاری آسکسوال مورد پرسش قرار می‌دهد. نویسنده در این فصل، برخلاف این ادعا که آسکسوالیته یک هویت جدید است، نشان می‌دهد که آسکسوالیته مفهومی است که مدت‌ها قبل در مفاهیم نژادپرستانه از سکسوالیته وجود داشته است. او استدلال می‌کند که از زمان برده‌داری در آمریکا به بعد، آسکسوالیته به‌عنوان گرایش جنسی آرمانی سوءتعبیر شد تا قدرت سفیدپوستان و انقیاد سیاه‌پوستان را توجیه کند. نویسنده با نگاه تاریخی به نژاد، شرح می‌دهد چگونه تصورات کنونی از «آسکسوالیته» کماکان تحت تأثیر ایدئولوژی سفیدپوست بودن است (ص ۱۵۲).

## بخش سوم: بصری سازی آسکسوالیته در فرهنگ رسانه

بخش سوم کتاب با عنوان «بصری سازی آسکسوالیته در فرهنگ رسانه» دارای سه فصل است. این بخش کندوکاو می‌کند که چگونه رسانه‌های جدید، تلویزیون و فیلم، گفتمان عمومی پیرامون آسکسوالیته را برملا می‌کنند و همچنین رتوریک‌ها پیرامون هنجارسازی و آسیب‌شناسی در رابطه با آسکسوالیته و نیز ناتوانی را تداوم می‌بخشند یا با آن‌ها مقابله می‌کنند.

فصل هفت این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه بدن آسکسوال تبدیل به یک صحنه می‌شود و نشان می‌دهد که فرهنگ مسلط به قدر کافی قادر نیست آسکسوالیته را قابل فهم سازد. به نظر نویسنده، درحالی که بدن آسکسوال به‌عنوان یک ابژه بت واره در صحنه‌های رسانه‌ها به‌شدت مشاهده‌پذیر و قابل مصرف شده است، آسکسوال به نحوی متناقض در گفتمان جنسی مبهم و بیگانه باقی می‌ماند. در نهایت نویسنده خواستار بازنگری در صحنه رسانه‌ها و پیوندهای آن با سیاست مشاهده‌پذیری از طریق بازشناسی ابهام‌ها و امکان‌های آن برای تفکر کویری می‌شود (ص ۰۹۲).

در فصل هشت نویسنده به بررسی روابط میان آسکسوالیته و آسیب‌شناسی، پزشکی‌کنه کردن و هنجارسازی می‌پردازد تا آشکار کند چگونه رسانه‌ها عموماً آسکسوالیته را به عنوان امر نابهنجار به تصویر می‌کشند. برای مثال، نویسنده به سریال تلویزیونی دکستر اشاره می‌کند که شخصیت اصلی آن، فاقد میل جنسی است، و استدلال می‌کند که تأکید این سریال بر فهم آسکسوالیته به‌مثابه امر نابهنجار، پیوندهای فرهنگی میان آسکسوالیته و آسیب‌شناسی را تقویت می‌کند در حالی که فیلم *Mysterious Skin* هم آسکسوالیته و هم سکسوالیته بیش-فعال را با تروما نسبت می‌دهد. به نظر نویسنده این بازنمایی‌ها باعث ایجاد برداشت‌های نادرست از آسکسوالیته می‌شوند (ص ۰۳۳).

فصل نه به بررسی فیلم *Shortbus* از دیدگاه آسکسوالیته و فمینیسم اختصاص دارد. نویسنده بر این نظر است که این فیلم به رغم به کارگیری واژگان کویری، در نهایت دیدگاه محافظه‌کارانه‌تری درباره بدن‌های متفاوت ارائه می‌دهد. شخصیت اصلی این فیلم سوفیا است. تضاد اصلی فیلم، ناتوانی او برای داشتن ارگاسم است. به نظر نویسنده، کارگردان در اینجا آسکسوالیته آسیب‌شناختی را با ساخت بدن‌های میل‌کننده و بهنجار مرتبط می‌کند. نویسنده با ترکیب نظریه کویری با مطالعات آسکسوال کویری و فمینیستی، روشی را برای فهم

سکسوالیته و آسکسوالیته خارج از الزام و اجبار به ارگاسم فراهم می‌کند (ص ۱۵۳).

## بخش چهارم: آسکسوالیته و مردانگی

مسئله اصلی این بخش این است که چگونه گفتمان‌های فرهنگی بر ساخت مردانگی‌های آسکسوال تأثیر می‌گذارند. در فصل ۰۱، نویسنده با آشکار کردن تاریخ آسکسوال چهره دلفک در سینما، آسکسوالیته را خارج از چارچوب‌های هویت و میل کندوکاو می‌کند و در عوض بر رفتارها و کنش‌های این چهره تمرکز می‌کند. نویسنده استدلال می‌کند که از طریق این چهره می‌توانیم ببینیم چگونه آسکسوالیته تا مدت‌ها در شکل‌های گوناگون، متغیر و غالباً استعاره‌ای وجود داشته است (ص ۰۳۴).

فصل ۱۱ امکان وجود ویژگی‌های مردانه را در آسکسوالیته در نظر می‌گیرد که می‌توانند ساختار شکن باشند. نویسنده این کار را با نوعی قوم‌نگاری انجام می‌دهد که تجربه‌های زیسته مردان آسکسوال و نبرد آن‌ها با هنجارهای مسلط مردانگی و میل جنسی بهنجار را شرح می‌دهد. نویسنده نشان می‌دهد چگونه زندگی مردان آسکسوال تحت تأثیر آرمان‌های جنسیت زده مردانگی قرار گرفته است و نتیجه‌گیری می‌کند که برتری فرهنگی سکس به عنوان عنصر محوری هویت، بر زندگی همه تأثیر می‌گذارد (ص ۰۵۴).

## بخش پنجم: سلامتی، ناتوانی و پزشکی‌کردن

این بخش، سه فصل را در بر می‌گیرد. در واقع هنجارهای جنسی بر بسیاری افراد تأثیر می‌گذارند به‌ویژه هنگامی که این هنجارها صرفاً سکسوالیته بهنجار و سالم را معتبر تلقی می‌کنند. این بخش به بررسی شکل‌های رنج و افسردگی افراد آسکسوال در تاریخ پزشکی و سکس‌شناسی، موردپژوهشی‌های حقوقی و مصاحبه‌های قوم‌نگارانه می‌پردازد.

موضوع فصل ۲۱ تبارشناسی آسیب‌شناسی آسکسوالیته‌ها در ادبیات پزشکی، روانپزشکی و سکس‌شناسی است. نویسنده توضیح می‌دهد چگونه این روند بعدها بر ساخت بدن‌ها و سکسوالیته بهنجار تأثیر گذاشته است. او در پی آسکسوالیته فمینیستی و کوئیر است که به ما اجازه می‌دهد تا دوباره آسکسوالیته و ناتوانی را از نو ارزیابی کنیم و هنجار یکپارچه از سکسوالیته و سالم بودن بدن‌ها را به چالش بکشیم (ص ۹۹۴).

فصل ۳۱ این مساله را کندوکاو می‌کند که چگونه انگیزه‌های سیاسی مسلط در میان اجتماعات آسکسوال و افراد ناتوان همدیگر را خنثی می‌کنند. نویسنده با اشاره به مواردی که دادگاه فعالیت جنسی را به عنوان «فعالیت مهم زندگی» تعریف می‌کند، چالش‌ها و تنش‌هایی را توضیح می‌دهد که این تعریف برای کنشگران آسکسوالیته و افراد ناتوان به وجود می‌آورد. نویسنده در ادامه، راه‌هایی را نشان می‌دهد که این دو اجتماع می‌توانند با یکدیگر همکاری دوجانبه داشته باشند (ص ۰۷۵).

در فصل ۴۱، فصل پایانی این بخش، نویسنده آسکسوالیته را در ارتباط با زنانی مورد بحث قرار می‌دهد که دچار درد مزمن تناسلی هستند. نویسنده به شرح قوم‌نگارانه می‌پردازد و می‌پرسد که تا چه اندازه یک گرایش آسکسوال می‌تواند بر حسب رفتار تعریف شود و اروتیک لذت و درد در بیان جنسی و آسکسوال چیست. او نشان می‌دهد چگونه اجبار دگرجنسگرانه به سکس‌دخولی، از امکان‌های جنسی دیگر جلوگیری می‌کند. او در می‌یابد که فعالیت‌های جنسی غیردخولی می‌تواند به نحو مثبتی تبدیل به رضایت جنسی شود و با اسطوره دگرجنسگرانهنجار» سکس واقعی «مقابل کند که امکان اروتیک زنانه را محدود می‌کند. همچنین مطالعه او نشان می‌دهد چگونه انواع متفاوتی از صمیمیت و حتی امتناع از رفتار جنسی می‌تواند برای افراد گوناگون معنادار و مهم باشد (ص ۰۱۶).

## بخش ششم: نظریه ادبی آسکسوال

بخش پایانی این کتاب به نظریه ادبی آسکسوال اختصاص دارد و دو فصل را در بر می‌گیرد. نویسنده در فصل ۵۱ رمان *The Bone People* را مطالعه و بررسی می‌کند و نشان می‌دهد منتقدان ادبی، موضوع آسکسوالیته را غالباً نادیده گرفته‌اند. نویسنده با پذیرش مفهوم مکان و زمان کوئیر از نظر جودیت هالبرستام، آسکسوالیته شخصیت اصلی رمان را در تضاد با منطق خانواده و تولیدمثل و به عنوان عنصر کلیدی در گذر رمان از مرزبندی‌های ملی، نژادی، خانوادگی، فرهنگی، دینی و جنسی قرار می‌دهد. نویسنده نشان می‌دهد که اصلاح ساختار خانواده گویای این است که پیوند میان والدین و کودکان ضرورتاً مبتنی بر روابط خونی نیست. همچنین فرزندپروری نیز نیازمند روابط جنسیتی یا جنسی نیست (ص ۹۴۶).

فصل ۶۱ و نهایی این کتاب آسکسوالیته را به عنوان منطق ساختار خود - روایتی در نظر می‌گیرد. این فصل با عنوان «به سوی ساختار روایی آسکسوال» به مطالعه و بررسی دو کتاب از هنری جیمز می‌پردازد و در پی نظریه ادبی آسکسوال است که منطق اروتیک هنجاری روایت را به چالش می‌کشد. نتیجه‌گیری این فصل در نهایت به ما یادآوری می‌کند که آسکسوالیته‌ها لزوماً دارای هدف غایت شناختی نظیر تولیدمثل نیستند؛ آن‌ها به طور منفرد تعریف پذیر نیستند بلکه متعدد، متکثر، کوئیر و حتی آموزنده هستند (ص ۰۶۶).

